143596 ـ با خویشاوندانی که به آنان آزار می‌رسانند چه‌کار کنند؟ آیا قطع رابطه کنند؟

سوال

می‌خواهم بدانم حکم شرعی قطع رابطه با اقوام و خویشاوندان چیست؟ قوم و خویشی که برای ما مشکل درست می‌کنند و به ما آزار می‌رسانند و از چشم زخم و طبع خبیثی که دارند در عذابیم. آنان علیه ما از سحر و جادو استفاده می‌کنند و اموال ما را می‌دزدند و علیه ما شایعه و دروغ پخش می‌کنند و به هر طریقی در حق ما بدی می‌کنند. آیا با آنان قطع رابطه کنیم؟ حکم کارهای آنان از نظر اسلام چیست؟ من قبلا به مادرم و پدرم گفته‌ام که با آنان حرف نزنند و در حد امکان از آن‌ها دوری کنند، نظر شما چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

شریعت امر به صلۀ رحم و بخشیدن بدکاران و بلکه رویارویی بدی با نیکی کرده است. الله تعالی می‌فرماید:

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ (٣٤) وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ [فصلت: ٣٤ ـ ٣٥]

(و نیکی با بدی یکسان نیست [بدی را با] آن‌چه خود بهتر است دفع کن، آن‌گاه کسی که میان تو و او دشمنی است گویی دوستی یکدل می‌گردد (٣۴) و این [خصلت] را جز کسانی که شکیبا بوده‌اند نمی‌یابند و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ نخواهد یافت)

علامه سعدی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«یعنی: انجام نیکی‌ها و طاعات برای خشنودی الله تعالی با بدکاری و گناهی که عامل خشم و نارضایتی اوست، برابر نیست و احسان در حق خلق و بدی در حق آنان نه در ذات و نه در وصف و در پاداش با یکدیگر برابر نیستند:

هَلْ جَزَاءُ الإحْسَانِ إلا الإحْسَانُ [الرحمن: ۶۰]

(مگر پاداش احسان جز احسان است)

سپس به احسانی خاص که جایگاهی ویژه دارد امر نموده که همانا نیکی کردن در حق کسی است که به تو بدی کرده و فرموده است:

ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ [فصلت: ۳۴]

([بدی را با] آن‌چه خود بهتر است دفع کن)

یعنی هرگاه کسی از بندگان در حق تو بدی کرد به ویژه کسی که حق بزرگی بر عهدهٔ تو دارد مانند نزدیکان و دوستان و مانند آن با سخن یا کردار به تو بدی کرد، با نیکی در برابرش رفتار کن، پس اگر با تو قطع رابطه کرد تو ارتباط برقرار کن و اگر در حقت ستم ورزید تو او را ببخش و اگر در غیبت تو یا در حضور تو حرف بدی زد تو تلافی نکن، بلکه او را ببخش و به نرمی با او سخن بگو و اگر تو را ترک گفت و قهر کرد با وی سخن نیکو بگو و سلام کن که اگر بدی را با خوبی پاسخ دهی فایدهٔ بزرگی را به دست خواهی آورد.

فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ [فصلت: ۳۴]

(آن‌گاه کسی که میان تو و او دشمنی است گویی دوستی یکدل می‌گردد)

یعنی گویا دوستی نزدیک و دلسوز است.

وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا [فصلت: ۳۵]

(و این [خصلت] را جز کسانی که شکیبا بوده‌اند نمی‌یابد)

یعنی: به این خصلت نیک دست نمی‌یابند مگر کسانی که نفس خود را بر آن‌چه خوش ندارند صبر داده‌اند و به آن‌چه خداوند دوست دارد مجبور ساخته‌اند، زیرا فطرت مردم بر این سرشته شده که در برابر کسی که در حق آنان بدی کرده با بدی رفتار می‌کنند و از او در نمی‌گذرند، چه رسد به آن‌که نیکی کنند.

بنابراین اگر انسان صبر پیشه کند و به امر پروردگارش گردن نهد و پاداش فراوان را بداند و بداند که پاسخ دادن به بدکار با کاری همانند او سودی برایش ندارد و بلکه دشمنی را شدیدتر می‌سازد و نیکی در حق طرف مقابل از ارزش او کم نمی‌کند بلکه برعکس، هر کس برای الله تواضع پیشه سازد او را بلندمرتبه می‌گرداند و این کار [یعنی بخشش] برایش آسان می‌شود و سپس آن را شیرین می‌یابد.

وَمَا يُلَقَّاهَا إِلا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ [فصلت: ۳۵]

(و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ نخواهد یافت)

چرا که این از خصلت‌های خواص خلق است که بنده با آن مقام والا در دنیا و آخرت را به دست می‌آورد که از بزرگترین خصلت‌های مکارم اخلاق است».

در صحیح مسلم (۲۵۵۸) از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت است که مردی پرسید: ای رسول خدا، من خویشانی دارم که با آنان رابطه برقرار می‌کنم اما با من قطع رابطه می‌کنند و به آنان نیکی می‌کنم و در حق من بدی می‌کنند و با آنان بردباری پیشه می‌کنم و بر من جهالت می‌ورزند؟! فرمود: اگر چنان باشد که گفتی گویا به آنان خاکستر می‌خورانی و تا وقتی این‌گونه باشی همواره یاوری از سوی الله علیه آنان خواهی داشت.

ثانیا:

آن‌چه گفته شده بالاترین مرتبه در رفتار با مردم است، اما کسی که توانایی این مقام و منزلت را ندارد و نمی‌تواند بدی آنان را با نیکی از خود دور کند و می‌ترسد در صورت ارتباط با آنان از سوی آنان با سحر یا دیگر موارد به وی زیان برسد ـ چنان‌که در سوال گفته شد ـ می‌تواند با آنان قطع رابطه کند و برای در امان ماندن از شرشان از آنان دوری گزیند.

علامه ابن عبدالبر ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

علما بر این اجماع نموده‌اند که برای مسلمان جایز نیست برادرش را بیش از سه روز ترک گوید مگر آن‌که ترس این را داشته باشد که هم‌صحبتی و ارتباط با او به دین او زیان برساند یا بر اثر آن زیانی به دین یا دنیایش برسد، که اگر چنین باشد اجازه دارد از او دوری گزیند و چه بسا جدایی زیبا بهتر از مخالطت زیان‌بار باشد (التمهید: ۶/ ۱۲۷)

از شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ پرسیده شد:

خانوادهٔ همسرم، من و همسرم را اذیت می‌کنند، حکم دوری از آنان و ترک دیدارشان چیست؟

ایشان چنین پاسخ دادند: در صورتی که دیدار آنان مفسده‌ای برای تو یا همسرت در بر داشته باشد می‌توانی به دیدار آنان نروی و می‌توانی همسرت را از رفتن به نزد آنان منع کنی (فتاوی نور علی الدرب: ۱۲/ ۴۷۴ ـ ۴۷۵).